

A Review of Principles Governing the budgeting system in Iran and France

 Hamed Khubyari

Ph.D. at, private law, Isfahan University,
Isfahan, Iran
h.khubyari@gmail.com

Received: 2024-05-04

Accepted: 2024-07-29

Abstract

The ease of access to information sources in cyberspace and the possibility of uploading information by users has made a great deal of data regarding people's lives and history available to the public. The rapid dissemination of information and its persistence in various websites and networks has caused users to judge people relying on their past and current data. If the past data is related to matters such as committing a crime, bankruptcy or unacceptable behavior of a person in the past, it will make it difficult for him to change and rehabilitate socially. Therefore, in recent years, the need to create such a right as the "right to be forgotten" has been emphasized by some countries, especially European ones. The result of this study revealed that, "With the acceptance of the 'right to be forgotten,' anyone can request the deletion of information that has previously been uploaded on websites and social media, either by themselves or in relation to them; provided that they can prove the lack of relevance, insufficiency, or excess beyond the initial purpose of the upload.

The exercise of this right will be especially beneficial for individuals who have a criminal record or those who have faced bankruptcy in the business world. Although the aforementioned right has attracted the attention of many jurists, some others have approached it with greater caution and have sometimes criticized it. The 'right to be forgotten' may only be accepted in cases where the individual has uploaded data to the virtual space without any necessary electronic contract and is now requesting its deletion. Additionally, it is possible to envision situations where minors have published data and, upon reaching adulthood, wish to have it deleted. This ruling has even been acknowledged in countries that oppose the 'right to be forgotten.' However, regarding the first case, it should be stated that the individual's revocation of their consent to upload information is in accordance with the rule, and fundamentally, deleting data as a result of revoking consent cannot be considered an exercise of the 'right to be forgotten.' Ultimately, it is expected that advocates for the creation of such a right will regard it as an exception to the principle of freedom of expression, rather than assuming that data deletion is inherently permissible as stated in Article 17 of the general regulations. Examining the arguments set forth by both supporters and opponents, we can come to the conclusion that the exercise of this right would be in conflict with such other fundamental rights as those of freedom of expression and free access to information and therefore the presumption should be the impossibility of deleting data. Of course, the generality of this principle is restricted to the right of children to delete personal data.

Keywords: *right to be forgotten, big data, privacy, freedom of expression, free access to information.*



Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

مطالعه تطبیقی و انتقادی حق بر فراموش شدن در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق ایران

دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
h.khubyari@gmail.com

حامد خوبیاری



تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق
تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱۷ | شماره ۲۳ | تابستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2024.2028152.1335

چکیده

سهولت دسترسی به منابع اطلاعاتی در فضای مجازی و امکان برگذاری اطلاعات توسط کاربران، باعث شده تا داده‌های بسیاری راجع به زندگی و سابقه افراد در دسترس عموم قرار گیرد. انتشار سریع اطلاعات و ماندگاری آنها در تارنماها و شبکه‌های مختلف، سبب شده است تا کاربران با استفاده از داده‌های سابق و فعلی، افراد را قضاوت کنند. داده‌های سابق اگر مربوط به اموری از قبیل انجام جرم، ورشکستگی و یا رفتار ناپه‌نچار فرد در گذشته باشد، امکان تغییر و بازایی اجتماعی را برای او دشوار خواهد کرد. از همین‌رو در سال‌های اخیر، لزوم جعل حقی به عنوان «حق بر فراموش شدن»، مورد تأکید برخی کشورها، به‌ویژه کشورهای اروپایی قرار گرفته است. حق گفته شده هرچند توجه بسیاری از حقوق‌دانان را جلب کرده؛ اما برخی دیگر محتاطانه به بررسی آن پرداخته و بعضاً انتقاداتی را عنوان کرده‌اند.

با بررسی دلایل موافقان و مخالفان می‌توان به این نتیجه رسید که اعمال این حق با حقوق بنیادین دیگری از جمله «آزادی بیان» و «دسترسی آزاد به اطلاعات» در تعارض است و از همین‌رو باید اصل را بر عدم امکان حذف داده‌ها گذاشت. البته عمومیت این اصل در مورد حق کودکان بر حذف داده‌های شخصی تخصیص می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: حق بر فراموش شدن، بزرگ داده، حریم خصوصی، آزادی بیان، دسترسی آزاد به اطلاعات.



Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International



مقدمه

بیش از صد و سی سال پیش، دو نویسنده آمریکایی در نشریه حقوقی دانشگاه هاروارد^۱، مقاله‌ای با عنوان «حق بر حریم خصوصی»^۲ منتشر کردند. این مقاله را می‌توان سرآغاز بحث‌های جدیدی درباره محدودده حریم خصوصی و تعارض آن با آزادی بیان یا حق دسترسی آزاد به اطلاعات دانست. به مرور زمان و با پیدایش بزرگ داده‌ها^۳ در فضای مجازی، نگرانی‌ها درباره حریم خصوصی افزایش یافت (Rubinstein, 2013, p. 74). در همین راستا و برای نخستین بار در سال ۱۹۷۸ دولت فرانسه، حق بر حذف داده‌های سابق را در قانون «حفاظت از داده»^۴ به تصویب رساند. پس از آن اتحادیه اروپا، «دستورالعمل حفاظت از داده»^۵ را در سال ۱۹۹۵ تصویب کرد و در آن به تعیین و تعریف حقوقی از قبیل حق بر تصحیح داده‌ها و حق بر اعتراض به داده‌های سابق^۶ پرداخت. در ماه می سال ۲۰۱۴، دادگاه عدالت اتحادیه اروپا در پرونده معروف یک تبعه اسپانیایی، حکم به حذف داده‌های مربوط به ناتوانی مالی او از موتور جستجوگر گوگل داد^۷. از مهمترین استدلال‌های یکی از قضات دادگاه^۸، آن بود که مبنای ذی‌حقی خواهان از قواعد موجود (دستورالعمل مصوب ۱۹۹۵) قابل استنباط است (Amaya Composeco, 2017, p. 5). در نهایت ماده ۱۷ مقررات عمومی حفاظت از داده^۹ در سال ۲۰۱۶ به تصویب رسید و در آن صراحتاً به «حق بر فراموش شدن»^{۱۰} اشاره شد. این مقررات از سال ۲۰۱۸ به مرحله اجرا درآمدند.

-
1. Harvard Law Review (Dec. 15, 1890).
 2. "The Right to Privacy" by Warren and Brandeis.
 3. Big Data.
 4. Data Protection Act, 1978.
 5. The Data Protection Directive (officially Directive 95/46/EC).
 6. Right to rectify and right to object in Art 11 and 14.
 7. Google Spain SL, Google Inc. v Agencia Española de Protección de Datos, Mario Costeja González (2014).
 8. Viviane Reding.
 9. General Data Regulation Protection (GDPR).
 10. Right to be forgotten.

با بررسی کلمات^۱ به کار رفته در بندهای ۶۵ و ۶۶ مقدمه مقررات عمومی و ماده ۱۷ آن، به نظر می‌رسد «حق بر فراموش شدن» را باید حق پاک کردن داده‌های سابق معنا کرد. این معنا با تفسیرهایی که سابقاً محققان از حق بر فراموشی ارائه داده‌اند (اسلامی و فیضی، ۱۳۹۵: ۱۷)، همخوانی دارد. البته باید توجه داشت که معنای گفته شده، معنای مقبول اتحادیه اروپا بوده و نباید سایر فرهنگ‌ها و کشورها را ملزم به تبعیت از این معنا و مقررات دانست. حق بر فراموش شدن، هرچند در اروپا به سرعت گسترش یافت؛ اما مهمترین کشورهای حوزه کامن‌لا، یعنی انگلستان و آمریکا در اعمال آن احتیاط بیشتری به خرج دادند؛ چراکه بستر و معنای ارزش‌ها را در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت می‌دانستند (Gordley, 2007, p. 1094). مهمترین انتقاد مخالفان گستره ماده ۱۷ مقررات عمومی، چالش‌های به‌وجود آمده بین اعمال این حق با حق آزادی بیان و یا دسترسی آزاد به اطلاعات است. این اصطکاک به حدی جدی بوده که برخی اساس «حق بودن» این پدیده را انکار کرده و اعمال دقیق آن را در عمل غیرممکن دانسته‌اند (Koops, 2011, p. 2).

در حقوق ایران علی‌رغم تاسیس نهاد «شورای عالی فضای مجازی» و صلاحیت آن در تصویب مقررات، عنوانی که گویای وجود چنین حقی در ادبیات حقوقی باشد، وجود ندارد. البته در مصوبات این نهاد و برخی قوانین، مواردی را می‌توان یافت که توجه قانون‌گذار به چالش‌هایی از قبیل «حق بر اعتراض و تصحیح» را نشان می‌دهد (بند ۱۱ ماده ۴ سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی، ۱۴۰۰؛ الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی، ۱۳۹۹؛ تبصره ۲ ماده ۱۱ آیین‌نامه سجل قضایی، ۱۳۹۸؛ ماده ۵۹ قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲ و ماده ۲۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ۱۳۸۸). در بین آثار حقوق‌دانان ایرانی، مطالب مربوط به «حق بر فراموش شدن»، تنها در قالب مقاله منتشر شده و کتابی در این زمینه به رشته تحریر در نیامده است. در مقالات موجود بیشتر به سابقه این حق و تعریف آن پرداخته شده و اگر تحلیلی صورت گرفته باشد، بر سودمند و قابل اعمال بودن آن تاکید دارد. در

1. Erasure and Erase.

میان مقالات انگشت‌شمار، می‌توان به مقاله «حق بر فراموش شدن و چالش‌های پیش روی آن» (۱۳۹۵)، تالیف رضا اسلامی و فریناز فیضی اشاره کرد. همین‌طور مقاله «حق فراموش شدن در ترازو: نیاز ناشی از فضای مجازی یا تهدیدی برای آزادی بیان؟!» (۱۳۹۷)، اثر قبولی درافشان و همکاران را می‌توان یکی از مقالات تحلیلی کارآمد در این زمینه به شمار آورد. با وجود این همان‌طور که گفته شد، مطالعه انتقادی مبانی این حق و تعارض آن با سایر حقوق بنیادین بشر، مورد توجه و یا دست‌کم تحلیل حقوق‌دانان قرار نگرفته است.

در پژوهش حاضر نگارنده سعی دارد با تحلیل آثار منتشر شده، قوانین مصوب و آراء اخیر دیوان دادگستری اروپایی^۱ در این زمینه، گستره وسیع «حق بر فراموش شدن» در اتحادیه اروپا را مورد نقد قرار داده و با مطالعه تطبیقی آراء حقوق‌دانان مختلف، دامنه حق مذکور را به موارد منحصر محدود کند. همان‌طور که گفته شد پیش از این آثار بسیاری به تحلیل معنا و پیشینه این حق پرداخته‌اند و به همین دلیل و پیشگیری از اطناب، به شرح مختصر در مقدمه بسنده می‌شود. در ادامه نخست ادله و مبانی موافقان «حق بر فراموش شدن» را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و سپس دلایل مخالفان را تشریح خواهیم کرد.

۱. بررسی و تحلیل ادله موافقان

حق بر فراموش شدن را می‌توان از زوایای مختلفی مورد نقد و بررسی قرار داد. برای مثال، آیا فرد حق دارد گذشته خود را فراموش کند یا آنکه جامعه، طرف حق او بوده و باید گذشته فرد را فراموش کند؟ حق بر فراموش شدن هرچند با طرح بحث درباره گذشته افراد خاطی، مجرم و ورشکسته شروع شد؛ اما امروزه به حوزه تمامی اطلاعات و داده‌های بارگذاری شده، تسری یافته است. متعلق این حق اعم است از داده‌هایی که خود شخص بارگذاری کرده یا آنکه دیگران آن اطلاعات را منتشر کرده باشند. اطلاعات دیگران نیز ممکن است، بازنشر داده‌های افراد باشد یا آنکه برای نخستین بار منتشر شده باشند. در ادامه و به

1. European Court of Justice (ECJ).

فراخور موضوع مطالب، سعی خواهد شد علاوه بر نقد نظرات، اطلاعات مربوط به ماهیت و انواع «حق بر فراموش شدن» مورد بررسی قرار بگیرد.

۱.۱. سودمندی فراموشی

نیاز به فراموش شدن، برآیند این حقیقت است که در بسیاری موارد، افراد علاقه‌ای به روبرو شدن با وقایع گذشته ندارند. به همین دلیل افراد از یک سو در تلاش برای فراموش کردن گذشته خود هستند و از سوی دیگر مایلند تا اطرافیان نیز گذشته مربوط به آنها را فراموش کنند. این دو وجهه‌ای بودن «حق بر فراموش شدن»، سبب شده است تا برخی به طور کلی این حق را «حق بر فراموشی»^۱ بنامند (Koops, 2011, p. 4). فراموشی در دنیای غرب و پیش از رنسانس نوعی عیب در کارکرد مغز به شمار می‌رفت و کمتر کسی از بین فلاسفه به فواید فراموشی توجه داشت (Vivian, 2010, p. 168). با وجود این در بین اندیشمندان اسلامی به تبعیت از آموزه‌های ائمه معصوم، فراموشی نقشی برجسته همچون یادآوری داشته است. امام صادق (ع) درباره اهمیت فراموشی با توجه به هر دو جنبه فراموش کردن و فراموش شدن می‌فرماید:

«بدان که نعمت فراموشی بسیار بزرگتر از نعمت حافظه و یادآوری است. اگر (نعمت) فراموشی نبود، هیچ کس مصیبت و سختی خود را فراموش نمی‌کرد... کینه اش تمام نمی‌گشت. امیدی به فراموشی و غفلت سلطان (و حاکمی که دشمن اوست) و رهایی از حسد رشکبران نداشت. آیا نمی‌بینی که چگونه دو نیروی حافظه و فراموشی که ضد یکدیگرند، هر کدام برای مصلحتی خاص در نهاد آدمی نهفته شده است؟» (میرزایی، ۱۳۷۷: ۶۸).

امروزه اما در فواید فراموشی کتاب‌ها و مقالات بسیاری موجود است^۲. برخی از متخصصین حوزه ارتباطات معتقدند آنچه موجب بقاء بشر شده، توانایی فراموش کردن است و در غیر

1. Right to forgetfulness.

۲. برای مثال می‌توان به کتاب در ستایش فراموشی (In Praise of Forgetting) اثر دیوید ریف (David Rieff) اشاره کرد.

این صورت مقایسه گذشته با حال، انسان را از پا در می‌آورد (ویکتور مایر شونبرگر به نقل از زمانی، عطار، ۱۳۹۵: ۸۴). به عبارتی بدون فراموشی زندگی کردن امکان‌پذیر نیست (Nietzsche, 1980, p. 10). تصمیم‌های آدمی همواره از وقایع سابق متأثر بوده و فکر کردن مداوم به گذشته و آینده، قدرت انسان در تغییر و تصمیم‌گیری منطبق با شرایط روز را می‌کاهد. از همین‌رو در بسیاری مواقع ذهن، برای بهبود عملکرد خود، رخدادهای سابق را منطبق با ارزش‌های کنونی بازسازی می‌کند (Andrade, 2011, p. 68). این کارکرد مغز سبب شده است تا برخی از محققین حوزه شبکه جهانی، بحث نزدیک کردن چگونگی کارکرد فضای مجازی به مغز را مطرح کنند. پرسش آن است که آیا می‌توان داده‌ها و شیوه مدیریت آنها را به شکلی تنظیم کرد که با گذر زمان، داده‌های کم‌اهمیت و کم‌تکرار از ذهن مجازی پاک شود؟ پاسخ عملی به این پرسش؛ منفی است^۱. با وجود این در میان قوانین و ایده‌ها، مواردی به چشم می‌خورد که به این طرح، شباهت دارد. برای مثال ماده ۴ آیین‌نامه سجل قضایی، اعتبار سجل قضایی را ۷۰ اعلام کرده بود که البته مفاد این آیین‌نامه به موجب آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۸ نسخ گردید و تاریخ انقضاء در آیین‌نامه جدید تکرار نشد. به علاوه به عنوان نمونه می‌توان به تعیین تاریخ انقضاء برای برخی داده‌ها در هنگام بارگذاری اشاره کرد.

هرچند امروزه در فواید علمی و اجتماعی فراموشی کمتر تردید می‌شود؛ اما سودمند بودن فراموشی نمی‌تواند مبنای «حق بر فراموش شدن» قلمداد گردد؛ چراکه فراموشی در کنار محاسن گفته شده، معایب آشکاری دارد. از سوی دیگر عدم فراموشی موجب نظارت و کنترل اجتماعی بیشتر خواهد شد و همین کنترل اجتماعی از نگاه بسیاری از حقوق‌دانان کیفی، رهیافتی برای جلوگیری از انجام جرم قلمداد می‌شود (عصاره، شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۹۴). «حق بر فراموشی» علاوه بر محدود کردن امکان کنترل اجتماعی با نظریه

۱. این پاسخ از مقاله پیتر فلشر، مدیر بخش خصوصی گوگل برداشت شده (آخرین بازدید ۲۰۲۴/۰۶/۰۴):

<http://peterfleischer.blogspot.com/2011/03/foggy-thinking-about-right-to-oblivion.html>

کاربردی‌ای همچون نگاه سراسر بین^۱ نیز در تعارض است. نگاه سراسر بین در ابتدا جهت کنترل زندانیان ارائه شد و نتیجه آن دیده شدن زندانیان توسط زندانبان در هر لحظه بود (Simon & Temple, 2013, p. 43). این نظریه بعدها در معماری شهری به کار گرفته شد تا تمامی اماکن شهر قبل مشاهده توسط شهروندان و دولت باشد. البته نگاه سرتاسر بین چنانچه توسط حاکمیت برای شهروندان عادی به کار گرفته شود، نتیجه‌ای جز استبداد و تحدید آزادی‌های شهروندان نخواهد داشت (Deleuze, 1986, p. 25).

۲.۱. مالکیت بر داده‌ها

با مطالعه آثار محققین و مقررات عمومی حفاظت از داده روشن می‌شود که برخی «حق بر فراموشی» را به حق بر مدیریت داده‌ها تعبیر کرده‌اند. به این ترتیب موضوع حق، داده‌های منتشر شده است و نه فعل فراموش کردن. این رویکرد سبب شده است تا برخی برای توجیه «حق بر فراموشی» به مال بودن داده‌ها و اختیار صاحبان داده برای مدیریت آنها اشاره کنند (Stupariu, 2015, p. 48). این نظریه مورد توجه برخی از حقوق دانان ایرانی قرار گرفته است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). یکی از چالش‌های این نظریه، تحلیل رابطه^۲ افراد با داده‌هاست. مطابق با ماده ۲۹ قانون مدنی، علاقه افراد با اموال به حق و ملک تقسیم شده است. در صورتی که داده‌ها را مال قلمداد کنیم^۳؛ باید ببینیم جنس رابطه اشخاص با داده‌ها مالکیت است یا حق؟ اگر رابطه فرد با داده را مالکیت بدانیم، در امکان انتقال رابطه، اسقاط، متعلق غصب قرار گرفتن و امکان استرداد داده تردیدی نخواهد بود (Koops, 2011, p. 19). حق پنداشتن رابطه اما منوط به تعیین «من له الحق» و «من علیه الحق» است. اهمیت تعیین این دو رکن، سبب می‌شود تا داده‌هایی که توسط سایرین بارگذاری شده، از شمول حق و حتی مالکیت خارج شود.

1. Panopticon.

2. Interest.

۳. امروزه کمتر تردیدی در پذیرش پدیده‌های غیرمادی به عنوان مال، وجود دارد. داده‌های مجازی در اغلب نظام‌های حقوقی مال قلمداد می‌شوند (ر. ک کاظمی، پیلوار، ۱۳۹۷).

در نظرات ابتدایی حقوق دانان کامن‌لا، یکی از مبانی «حق بر فراموشی»، مالکیت افراد بر داده‌ها بوده است؛ اما به مرور زمان، کرامت انسانی در توجیه این حق مطرح شد و چهره این حق از مالی به شخصی تغییر پیدا کرد (Frosio, 2017, p. 314). در راستای همین فرگشت پرونده‌ای در فرانسه طرح شد که یک نویسنده فرانسوی به همراه همسر بازیگر خود، خواستار استرداد عکس‌هایی شدند که پیش از آن به عکاس خود فروخته بودند؛ اما انتشار عکس‌ها متناسب با فرهنگ آن زمان فرانسه نبود. دادگاه بدوی به دلیل انتقال مالکیت و قطع رابطه فرد با عکس‌ها، حکم علیه خواهان داد؛ اما دادگاه تجدیدنظر، داده‌های شخصی را امری مربوط به کرامت انسانی دانست و از همین‌رو، انتقال آنها را مانع انتشار ندانست (Dowdell, 2016, p. 317). این رویکرد عملاً فواید مال‌انگاری داده‌ها را از بین می‌برد. پیش از این گفته شد که فایده مال بودن داده‌ها تنها مربوط به داده‌هایی است که توسط اشخاص بارگذاری می‌شود و چنانچه شخصی با داده‌های مربوط به دیگری گزارش یا اطلاعاتی تهیه و بارگذاری کند، امکان حذف آن از طریق راهکار مالکیت امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این در ماده ۱۷ مقررات عمومی حفاظت از داده (۲۰۱۶)، اعمال حق بر فراموشی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که با هر یک از استثنائات مربوط به صاحب داده و کنترل‌کننده‌ها مغایر نباشد^۱. اعمال چنین محدودیت‌هایی به همراه طرح کرامت انسانی، سبب شده است تا مال‌پنداشتن داده‌ها با چالش مواجه گردد. البته در مال بودن برخی داده‌ها که جنبه تجاری دارد؛ از جمله اشعار و عکس‌ها تردیدی نیست و قانون‌های

۱. استثنائات مذکور عبارت است از ۱. بقای داده‌ها برای هدفی که ابتدائاً موجب بارگذاری آنها شده بود، لزومی نداشته باشد. ۲. فردی که داده‌ها را منتشر نموده است از رضایت خود رجوع کرده باشد و لزوم قانونی برای بقاء داده‌ها وجود نداشته باشد. ۳. صاحب داده‌ها با رعایت بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۱، حق اعتراض به انتشار داده‌ها را دارد. محور اصلی ماده ۲۱، انقضای هدف بارگذاری است. ۴. داده‌ها به صورت غیرقانونی پردازش شده باشند. موارد ۵ و ۶ نیز به صلاحیت اتحادیه اروپا اشاره دارد. البته همین ماده در ادامه مواردی را متذکر شده که در صورت اثبات آنها کنترل‌کننده می‌تواند از حذف داده اجتناب نماید. این موارد عبارت‌اند از ۱. مغایرت با حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات. ۲. شمول قواعد اتحادیه نسبت به کنترل‌کننده‌ها. ۳. حفظ منافع عمومی در زمینه بهداشت. ۴. حفظ داده‌ها جهت رسیدن به مقاصد علمی. ۵. استفاده از داده‌ها به عنوان اسناد و مدارک دعوی.

مختلف حمایت از مولفین و صاحبین اثر، در مورد این امور اعمال خواهد شد. در مورد سایر اطلاعات اما، طرح عنوان مالکیت با مشکلات گفته شده مواجه می‌شود. به نظر می‌رسد بهترین راه برای توجیه «حق بر فراموشی»، تعبیر آن به حق موضوع داده^۱ به فراموش شدن در فضای مجازی باشد. در فقه امامیه مورد حق، همواره فعل دیگری است (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۵). در اینجا می‌توان طرف حق صاحب داده را کنترل‌کنندگان یا منتشرکنندگان داده دانست. موضوع حق نیز، فعل پاک کردن داده‌هاست. این توجیه با تعبیر به کار رفته در ماده ۱۷ مقررات عمومی و عبارت «حق بر پاک کردن» منطبق است. البته مطالب گفته شده تنها تحلیل ماهیت این حق بوده و به منزله تأیید اعمال آن نیست. درباره اطلاعاتی که خود فرد منتشر نموده نیز باید گفت؛ حذف آنها به نوعی رجوع از اذن تلقی می‌شود و روشن است که رجوع از رضایت، جز در موارد استثنائی، منطبق بر قاعده بوده و نیازی به پذیرش و اعمال «حق بر فراموشی» در این صورت نیست.

۳.۱. حریم خصوصی

حریم خصوصی را باید مشهورترین مبنای ارائه شده برای توجیه «حق بر فراموشی» دانست. مطابق با این مبنا اهمیت حفظ حریم خصوصی ایجاب می‌کند، فرد بتواند پس از انتشار داده‌ها، بر آنها کنترل داشته باشد و در برخی موارد آنها را حذف نماید (Moshkovska, 2017, p. 17). این ایده در بین حقوق‌دانان ایرانی طرفداران زیادی داشته و بسیاری اساس تاسیس «حق بر فراموشی» را رعایت حریم خصوصی افراد و حفظ کرامت انسان می‌دانند (اسلامی و فیضی، ۱۳۹۵: ۲۰؛ عباسی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). ارائه تعریف دقیقی از حریم خصوصی از آن‌رو که اساساً پدیده‌ای فرهنگی و نسبی بوده، با دشواری روبرو است. با وجود این، در تمامی کشورها و اغلب کنوانسیون‌های بین‌المللی، حق بر حریم خصوصی، حقی بدیهی شمرده شده است. برای مثال ماده ۸ کنوانسیون

۱. موضوع داده ترجمه عبارت «Data's Subject» بوده و منظور از آن، شخصی است که داده به وی مربوط است. عدم ترجمه این عبارت به صاحب داده، از آن روست که در برخی مواقع، داده‌ای مانند اطلاعات، متعلق به «الف» بوده؛ اما موضوع اطلاعات «ب» می‌باشد.

اروپایی حقوق بشر، اعلامیه کنفرانس نروژ در سال ۱۹۷۶، قطعنامه کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۶۷ به اهمیت حریم خصوصی و بیان برخی ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. در میان تعاریف ارائه شده، می‌توان به تعریف کمیته کالکات انگلستان در سال ۱۹۹۰ اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «حریم خصوصی حق افراد نسبت به حمایت شدن در برابر ورود به زندگی یا امور خصوصی یا خانواده آنها با وسایل فیزیکی یا انتشار اطلاعات است»^۱. در طرح حمایت از حریم خصوصی مصوب ۱۳۸۵ شورای عالی امنیت ملی نیز آمده است:

«قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا در آن قلمروی وی را مورد تعرض قرار ندهند؛ منازل و اماکن خصوصی، حریم خلوت و تنهایی افراد، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران و حریم جسمانی افراد، حریم خصوصی محسوب می‌شوند».

تعریف فوق را می‌توان تعریف مطلوبی دانست که برخی از مصادیق، مانند اطلاعات شخص را برشمرده است. در نگاه اول، حریم خصوصی بودن اطلاعات شخصی، امری روشن به نظر می‌رسد؛ اما باید در ابتدا بین اطلاعاتی که اشخاص بارگذاری می‌کنند، با اطلاعاتی که دیگران درباره افراد ارسال یا آنکه اطلاعات بارگذاری شده را باز ارسال می‌کنند، تمایز قائل شد. باید توجه داشت که داده‌های ارسالی توسط موضوع داده ارسال شده، یا آنکه حق ارسال آن به دیگری منتقل شده است؟ البته مطابق با آنچه پیش از این آمد داده‌هایی که متعلق به حریم خصوصی افراد هستند، با کرامت آنها در ارتباط است و نمی‌تواند موضوع معاملات واقع شود. برخی از حقوق‌دانان ایرانی نیز با مطالعه حریم خصوصی و دوران ماهیت آن بین حق یا حکم بودن، حکم بودن درباره اطلاعاتی که با حیثیت معنوی اشخاص در ارتباطند را مرجح دانسته و با همین استدلال قائل به عدم امکان انتقال یا

1. Calcutt Committee, Report of the Committee on Privacy and Related Matter, London, HMSO 1990 . Visible in: <http://humanr.persianblog.ir> (Last seen:2024/06/04)

اسقاط آن شده‌اند (قنواتی، جاور، ۱۳۹۰: ۲۷). چنانچه داده‌ها را مشمول عنوان حریم خصوصی بدانیم، مبنای مالکیت داده‌ها را زیر سوال برده‌ایم. علی‌رغم نظرات گفته شده، پذیرش حریم خصوصی به عنوان مبنای «حق بر فراموشی» با ایرادات جدی روبرو است. مهمترین ایراد درباره مشمول حریم خصوصی بودن داده‌هایی که فرد بارگذاری می‌کند، آن است که وی با رضایت آنها را منتشر نموده و خودخواسته از دایره حریم خصوصی خارج نموده است. بنابراین همان‌طور که برخی از حقوق‌دانان اشاره کرده‌اند، در اینجا طرح عنوان حریم خصوصی موضوعاً منتفی است (قبولی درافشان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶). به طریق اولی اطلاعاتی که بازارسال چنین داده‌هایی هستند نیز نمی‌تواند مشمول عنوان حریم خصوصی باشد. مبنای حریم خصوصی تنها درباره داده‌هایی کاربرد دارد که دیگران، بدون اجازه موضوع داده، از وی منتشر نموده‌اند. با وجود این باید در پذیرش این گزاره نیز بیشتر دقت کرد. حق فرد بر حذف داده‌هایی که نقض حریم خصوصی وی بوده، بدیهی است و از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی قلمداد می‌گردد. از همین‌رو در اغلب قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی افشاء اطلاعات خصوصی جرم محسوب می‌شود. بنابراین با وجود ضمانت اجراهای نقض حریم خصوصی، نوبت به جعل «حق بر فراموشی» رسید.

همان‌طور که پیش از این گفته شد، یکی از اولین چالش‌هایی که موجب طرح بحث «حق بر فراموشی» شد، سابقه کیفری متهمان بوده است. حال پرسش آن است که اگر حکمی مطابق با بند «س» ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی منتشر شد، آیا مجرم می‌تواند پس از گذشت دو سال از اتمام مجازات تکمیلی مطابق با تبصره ۱ همان ماده خواهان حذف حکم از رسانه‌ها باشد؟ برخی از حقوق‌دانان با مقایسه این امر با تشهیر، آن را در صورتی که فرد نتواند خواستار حذف اطلاعات شود، مجازاتی تمام ناشدنی پنداشته‌اند (غلامی، مومن‌زادگان، ۱۳۹۶: ۴۰). در رد این ایراد می‌توان گفت که بندهای «ز» و «ژ» این ماده نیز می‌توانند مجازات‌های دائمی قلمداد شوند و به این ترتیب باید تبصره ۱ را منصرف از این بندها دانست. به‌علاوه آنچه اهمیت دارد قبح عقاب بلا بیان است؛ در غیر این صورت

چنانچه پیش از ارتکاب، مجرم بداند که ممکن است با چنین حکم سنگینی مواجه شود، مختار است از انجام آن جرم خودداری نماید. البته ممکن است گفته شود، مجازات انتشار حکم، سنگین بوده و متناسب برخی جرائم نیست. حتی در صورت پذیرش این امر، نمی‌توان منکر این مسئله شد که در جرائم مهم، نشر و حفظ داده‌های منتشر شده از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین فرد با آگاهی نسبت به مجازات خود، عالمانه مرتکب جرم شده و نیازی به جعل «حق بر فراموشی» و نقض غرض قانون‌گذار کیفری وجود ندارد. البته در صورتی که حکم به نحو غیرقانونی منتشر شده باشد، تردیدی در امکان حذف آن نبوده و البته این امکان، ناشی از «حق بر فراموشی» نیست.

فرض فوق درموردی بود که اطلاعات منتشر شده صحیح باشد. بدیهی است چنانچه اطلاعات منتشر شده غیرواقعی باشد، مشمول ضمانت اجراهای کیفری و مسئولیت مدنی خواهد بود. ماده ۲۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۸۸)، مقرر می‌دارد: «هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که در نتیجه انتشار اطلاعات غیرواقعی درباره او به منافع مادی و معنوی وی صدمه وارد شده است حق دارد تا اطلاعات مذکور را تکذیب کند یا توضیحاتی درباره آنها ارائه دهد و مطابق با قواعد عمومی مسئولیت مدنی جبران خسارتهای وارد شده را مطالبه نماید». جالب آنکه تبصره این ماده، حتی انتشار اطلاعات واقعی، اما خلاف این قانون را موجب مسئولیت مدنی می‌داند. طبیعی است یکی از راه‌های جبران خسارت در حقوق کشورمان، اعاده وضعیت به شکل سابق است که حذف اطلاعات منتشره می‌تواند یکی از مصادیق آن قلمداد شود.

دیوان دادگستری اروپایی نیز در یکی از آراء اخیر خود^۱ در راستای اعمال ماده ۱۵ مقررات عمومی حفاظت از داده و توجه به حریم خصوصی افراد، پایگاه‌های کنترل‌کننده داده^۲ را ملزم به افشای مخاطب و یا گروه مخاطبین داده‌ها کرد. به این ترتیب هر نرم افزار و یا رسانه‌ای که از طریق آن داده‌های خصوصی شخص انتشار می‌یابد، موظف است پیش از

1. Judgment of 12 January 2023 (C-154/21), Available on: <https://curia.europa.eu/juris/recherche.jsf> (Last Seen: 2024/06/04)

2. Data Controller.

انتشار داده به موضوع داده، نسبت به افرادی که ممکن است آن را دریافت کنند، هشدار دهد. مطابق با این تصمیم و همین‌طور ماده ۱۵ (GDPR) در صورت مشخص بودن مخاطب و یا گروه مخاطبین، صاحب داده حق اصلاح، حذف و یا اعمال محدودیت برای افشای داده را خواهد داشت.

۴.۱. قاعده لاضرر

یکی دیگر از مبانی که جهت توجیه «حق بر فراموش شدن»، توسط برخی حقوق دانان ایرانی به کار گرفته شده؛ قاعده لاضرر است. در نگاه ایشان نپذیرفتن «حق بر فراموش شدن»، می‌تواند موجب ایراد ضرر اعم از معنوی و روحی به افراد باشد (قبولی درافشان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۲/۱). پذیرش این قاعده در مرحله اول منوط به آن است که ایجابی بودن احکام مبتنی بر قاعده لاضرر را بپذیریم. هرچند در تاریخ فقه امامیه نزاع بسیاری در این باره وجود داشته؛ اما به نظر می‌رسد، رویکرد غالب در دوران معاصر، پذیرش قاعده به عنوان مبنای وضع حکم باشد (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۵۸). جریان قاعده لاضرر به عنوان مبنای حق بر فراموشی، علاوه بر چالش فوق، در بسیاری موارد با اشکال تعارض با سایر قواعد و احکام روبروست. برای مثال فردی که داده‌های مربوط به خود را منتشر نموده، علیه خود اقدام کرده و مطابق با نظر بسیاری از فقها در چنین مواردی اقدام بر لاضرر مقدم است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۳۷). در سوی دیگر چنانچه اطلاعات توسط دیگران منتشر شده باشد، حذف آنها می‌تواند به آزادی بیان و اصل دسترسی آزاد به اطلاعات صدمه بزند. طبیعی است در صورت تعارض دو ضرر، محملی برای جریان قاعده لاضرر وجود نخواهد داشت (عمید زنجانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰/۱).

بنابراینچه گفته شد سودمند بودن فراموشی، مالکیت داده‌ها، حریم خصوصی و قاعده لاضرر، هیچ یک نمی‌تواند مبنای وضع «حق بر فراموشی» قلمداد گردد. لازم به ذکر است، انکار لزوم وضع چنین حقی، نه به معنای نفی سودمندی آن؛ بلکه به جهت تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های موجود است. به ویژه آنکه اعمال این حق در برخی موارد می‌تواند

با حقوق بنیادین دیگر در تعارض واقع شود. در ادامه به دلایل مخالفان وضع «حق بر فراموشی» خواهیم پرداخت.

۲. بررسی و تحلیل ادله مخالفان

پیش از این گفته شد که آثار «حق بر فراموشی» را می‌توان از قواعد دیگری که در حال حاضر مورد استفاده نظام‌های حقوقی است، استخراج کرد. تاسیس حق امکان حذف داده‌ها با حقوق بنیادین دیگری در تعارض قرار می‌گیرد و همین تعارض سبب می‌شود تا در پذیرش این حق، رعایت احتیاط ضروری باشد. مهمترین ادله مخالفان «حق بر فراموشی»، تعارض این حق با حق آزادی بیان و حق دسترسی آزاد به اطلاعات است. در ادامه به تفکیک نحوه تقابل این حقوق را بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

۲.۱. تعارض با حق آزادی بیان

از زمان اجرایی شدن مقررات عمومی حفاظت از داده تا سال ۲۰۱۹ (نزدیک به یک سال)، بیش از هزار سایت محلی خبری آمریکایی در اتحادیه اروپا مسدود شده است. علت عمده آن بوده که برخی افراد، حذف داده‌های مربوط به خود را از این سایت‌ها مطالبه کرده؛ اما با مخالف آنها روبرو شده بودند (Layton, 2019, p. 5). شیوع اعمال «حق بر فراموشی» می‌تواند حذف کردن‌های این‌چنینی را تعمیم دهد. تعارض این حق با آزادی بیان (که البته درباره دسترسی آزاد به رسانه نیز صادق است) در نحوه اعمال آن مطابق با مقررات عمومی، بیشتر به چشم می‌آید. در ماده ۱۷ مقررات فوق، تنها در صورتی می‌توان از حذف داده‌ها جلوگیری کرد که کنترل‌کننده^۱ اثبات کند، موضوع از مصادیق استثناء ماده ۱۷ است. به این ترتیب اصل در مقررات عمومی، امکان حذف داده‌هاست. این اصل با حق بنیادین آزادی بیان که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل ۲۴ قانون اساسی ایران مورد

۱. بند ۷ ماده ۴ مقررات عمومی، کنترل‌کننده را چنین تعریف کرده است: «کنترل‌کننده شخص حقیقی یا حقوقی، مقام دولتی، سازمان یا هر نهاد دیگری هستند که به تنهایی یا متفقاً اهداف و وسایل پردازش داده‌های شخصی را تعیین می‌کنند». برای مثال می‌توان مخابرات را کنترل‌کننده داده‌های مکانی تلفن‌های همراه و یا ارائه دهنده سرویس شبکه‌های اجتماعی را کنترل‌کننده داده‌های همان نرم افزار دانست.

تاکید قرار گرفته، مخالف است. در اصل ۲۴ قانون اساسی، اصل بر آزادی بیان است؛ مگر آنکه محل بودن جریان حق اثبات گردد. به نظر می‌رسد کمترین انتظار از موافقان «حق بر فراموشی» آن باشد که این حق را از استثنائات آزادی بیان قلمداد کنند، نه آنکه لزوم حفظ داده منوط بر اثبات استثنائات ماده ۱۷ باشد.

ممکن است ایراد شود که داده‌های بی‌ربط با جامعه و فضای عمومی قابل حذف بوده و از این حیث، خللی در اعمال اصولی چون آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات وارد نمی‌شود. دیوان دادگستری اروپایی نیز در سال ۲۰۲۲ در تعارض حق آزادی بیان و حق بر فراموش شدن، تنها در مواقعی حذف داده‌ها را ممکن دانسته که داده‌ها کاملاً شخصی بوده و ارتباطی با افراد دیگر نداشته باشد و یا آنکه داده اساساً موجب اشتباه مخاطب شود.^۱ هرچند این تصمیم در ظاهر کاملاً منطقی بوده و در اجرا با اشکال مواجه نیست؛ اما مسئله آن است که در رای صادره و در ماده ۱۷ مقررات عمومی، وظیفه بررسی و تطبیق داده‌ها با استثنائات ماده، به عهده کنترل‌کننده‌هاست. اولین انتقاد به این ماده می‌تواند آن باشد که معمولاً کنترل‌کننده‌ها نگاهی فنی و تخصصی به موضوع کار خود داشته و به نحوه استدلال و چگونگی قضاوت ناآشنا هستند. دومین ایراد آنکه، به چه دلیل چنین تعهدی را به عهده کنترل‌کننده‌ها که در زنجیره انتشار داده، منفعل هستند، بار می‌کنیم؟ آیا تحمیل این تعهد، نقض رسالت شبکه‌های اجتماعی نیست؟ علاوه بر آنچه گفته شد، جریمه‌های بسیار سنگین تخلف از حذف داده که در ماده ۸۳ (در برخی موارد بیست میلیون یورو) مقررات عمومی آمده، کنترل‌کننده‌ها را در دوراهی حذف یا حفظ، به سمت حذف کردن داده‌ها سوق می‌دهد. این امر تعارض حق بر فراموشی، با آزادی بیان را پررنگ‌تر می‌کند. یکی دیگر از جلوه‌های این تعارض، حق کاربران در جمع‌آوری آزاد داده‌هاست. به این معنی که پذیرش «حق بر فراموشی» به مثابه تحدید منابع موجود در فضای مجازی بوده و از این رو با آزادی بیان در تعارض است (شیخ حسینی، ۱۳۹۵: ۶۶).

1. Judgment of 8 December 2022 (C-460/20), Available on: <https://curia.europa.eu/juris/recherche.jsf> (Last Seen: 2024/06/04)

1. Data Controller.

با توجه به آنچه گفته شد، پذیرش حق بر فراموش شدن از برخی جهات معارض با حق آزادی بیان است. تعارض مذکور، این سوال را در ذهن پژوهشگر ایجاد می‌کند که چرا برای وضع یک حق جدید، حق بنیادین دیگری را در معرض خطر قرار دهیم؟ برخی از موافقان حق بر فراموشی دقیقاً برخلاف آنچه گفته شد، نبود چنین حقی را مغایر با آزادی بیان می‌دانند. ایشان معتقدند هراس از بقای داده‌ها و نظرات، کاربر را از اظهار نظر منصرف می‌کند؛ در صورتی که اگر قائل به حق حذف داده‌ها در آینده شویم، نگرانی کاربران در بیان نظرات و بارگذاری داده‌ها کمتر خواهد شد (Aidinlis, 2020, p. 25). برخی از محققین این جنبه از «حق بر فراموشی» را روی مثبت این حق به آزادی بیان دانسته و معتقدند، عدم ترس از قضاوت شدن در آینده، از خودسانسوری کاربر جلوگیری می‌کند (هادی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۷). علی‌رغم آنچه گفته شد به نظر می‌رسد احتیاط کاربر در بیان عقاید، نتیجه مثبت عدم وجود «حق بر فراموشی» است. با پذیرش چنین استدلالی باید به نویسندگانی که قبلاً نظرات خود را در کتابها و مقاله‌های خود ارائه داده‌اند، اجازه گردآوری و حذف آثار از دسترس عموم، داد. نتیجه‌ای که حتی اگر مشمول استثنائات ماده ۱۷ مقررات عمومی نباشد نیز، قابل پذیرش نخواهد بود.

در سال ۲۰۱۲ دادگاهی در برزیل، رئیس شرکت گوگل در برزیل را به جهت آنکه فیلم‌های انتقادی یک نامزد انتخابات شهرداری را حذف نکرده بود، دستگیر کرد. فیلم مذکور حاوی توهین و افترا توسط نامزد انتخاباتی بود و به نوعی ناقض قوانین انتخاباتی برزیل به شمار می‌رفت. برخی از محققین این پرونده را نمونه‌ای از تقابل آشکار حق بر فراموشی و آزادی بیان دانسته‌اند (Lagone, 2012, p. 16). چنین تقابلی سبب شده است تا در آمریکا، حذف سوابق کیفری در تعارض با اولین اصلحیه قانون اساسی و مغایر حق آزادی بیان قلمداد شود (Rosen, 2012, p. 88). هرچند افراد خاطی حق دارند در جامعه دوباره شروع به رشد کرده و زندگی عادی‌ای برای خود متصور باشند؛ اما بدون تردید نمی‌توان سایر افراد را از اطلاع راجع به سابقه وی ممنوع کرد. به ویژه در مواردی که خطای مجرم چنان مهم بوده که مطابق با قانون در فضای مجازی منتشر شده باشد. طبیعی است که جلب اعتماد

برای فرد خاطی سخت‌تر از افراد بی‌گناه باشد. چرا برای ساده‌تر کردن شروع فردِ خاطی، راه‌های کسب اطلاعات برای شخصی که می‌خواهد با او ازدواج کند، یا انتقال فرزندانش به مدرسه را به او بسپارد، مسدود کنیم؟

۲.۲. تعارض با حق دسترسی آزاد به اطلاعات

یکی دیگر از چالش‌های پذیرش «حق بر فراموشی»، امکان تقابل این حق با دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات است. امروزه بسیاری از جنبش‌ها اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... به جهت وجود شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. برخی از محققین، توسعه حق حذف داده‌ها به «حق بر فراموشی» را مانعی برای شکل‌گیری تحولاتی از قبیل بهار عربی می‌دانند (Hunter, 2020, p. 339). جنبش‌های بخشی که در صورت پذیرش «حق بر فراموشی»، تکرار آن در سایر نقاط جهان با دشواری بیشتر روبرو خواهد بود. نویسنده این تقابل را از دو جنبه با مثال توضیح می‌دهد. شخصی را فرض کنید که ساکن کشوری در اتحادیه اروپاست و مقاله‌ای خبری درباره اعتراضات نسبت به دولت تونس منتشر کرده و امروزه به دلایلی خواستار حذف آن مقاله از تارنماهای میزبان است. چنانچه در چنین فرض قائل به وجود «حق بر فراموشی» باشیم، بسیاری از داده‌های خبری قابل حذف خواهند بود. به عنوان نمونه دیگر تعارض مذکور، شهروند کشور «الف» را در نظر بگیرید که مقاله‌های اعتراضی درباره سوابق رهبر کنونی کشورش را در صفحه فیس‌بوک خود منتشر نموده و رهبر کشور، به جهت قدیمی بودن اطلاعات، خواستار حذف آنها باشد. در صورت حذف، سایر اطلاعاتی که بر مبنای این مقالات بوده، غیرمرتبط محسوب شده و امکان حذف آنها نیز فراهم می‌آید (Ibid, 342). در حقوق کشور ما، حذف چنین داده‌هایی آشکارا با حق پیش‌بینی شده در ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مغایر است.

عدم امکان دسترسی آزاد به اطلاعات بر انتقال آزاد داده و آزادی رسانه‌ای تاثیر مستقیم خواهد داشت. سیاست آزادی گردش اطلاعات در بند ۱ مقدمه تصویب‌نامه مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای (۱۳۸۰)، مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است

(اسلامی، ۱۳۸۸: ۴۹۴). منظور از آزادی اطلاعات، آزادی فعالیت خبرگزاری‌ها و سایر مراکز خبری و انتشار اطلاعات از طریق مطبوعات، فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی، فیلم‌های خبری و سینمایی، پایگاه‌های اطلاعاتی و خبری اینترنتی است (معمدنژاد، ۱۳۷۲: ۱۶۷). پذیرش «حق بر فراموشی» اما موجب جلوگیری از آزادی این فعالیت‌ها خواهد بود. تاثیر به سزای پذیرش این حق، بر داده‌هایی آشکار می‌شود که داده‌های سابق که به ظاهر بی‌ربط، ناکافی یا بیش از میزان مورد نیاز هدف ابتدایی بوده (شرایط ماده ۱۷ مقررات عمومی)، مورد استفاده در تحلیل‌های بعدی قرار گیرد. در نظر بگیریم «الف» با طرح برخی مطالب ظاهراً نامربوط، به تحلیل وضعیت کشور بپردازد و بعداً این مطالب در مقالات دیگر نیز استفاده شود. در صورتی که «الف» بتواند خواستار حذف این مطالب از هر متنی که در فضای مجازی منتشر شده، باشد؛ تعرضی غیرقابل چشم‌پوشی به حق آزادی دسترسی به اطلاعات صورت می‌پذیرد. این تعرض در برخی مواقع سبب می‌شود بسیاری از داده‌ها نامفهوم و بعضاً متفاوت از منظور اصلی پردازنده جلوه کنند. همین مسئله برخی متخصصان حوزه حقوق رسانه را بر آن داشته تا پذیرش حق حذف داده‌ها را نوعی بازنویسی تاریخ به حساب آورند (Larson, 2013, p. 119).

اعمال «حق بر فراموشی» علاوه بر تقابل با حقوق فوق‌الذکر با حقوق مالی‌ای، مانند حق مجاورین در مبحث مالکیت‌های فکری در تعارض است. منظور از مجاورین حق تالیف، ذی‌نفعان مرتبط با اثر هنری و فکری است که از مهمترین مصادیق آن می‌توان به اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیو و تلویزیون اشاره کرد (شیخ حسینی، ۱۳۹۵: ۷۱). البته در چنین مواردی برخی قانون‌گذاران، حق عدول را برای مولفین در صورت پرداخت خسارات مجاورین پذیرفته‌اند (بند ۲ ماده ۶-۱۴ قانون ۱۱ نوامبر ۱۹۸۷ اسپانیا) که به نظر می‌رسد این حق، ماهیتاً با «حق بر فراموشی» متفاوت باشد. به علاوه چنین حقی درباره آثار منتشر شده موضوعیت ندارد و تنها به انتشار در مرحله نخست یا مرحله تجدید انتشار مربوط می‌شود.

نتیجه‌گیری

با پذیرش «حق بر فراموشی»، هر کسی می‌تواند خواستار حذف اطلاعاتی که پیش از این در تارنماها و شبکه‌های اجتماعی توسط خود او یا در رابطه با او بارگذاری شده، باشد؛ مشروط بر آنکه نبود ارتباط، ناکافی یا زیاده بر هدف ابتدایی بودن بارگذاری را به اثبات برساند. اعمال این حق به ویژه برای افرادی که از منظر کیفری دارای سوء سابقه بوده یا از نظر مالی در دنیای تجارت با ورشکستگی مواجه شده‌اند، مفید خواهد بود. در واقع این افراد با حذف داده‌های مربوط به گذشته، سایرین را از رجوع به سابقه خود و در نتیجه قضاوت بر آن مبنی منع می‌کنند. نگاه عملی افراد در اغلب فرهنگ‌ها موجب می‌شود تا انسان‌ها، دیگران را بر مبنای رفتارشان در گذشته قضاوت کنند؛ به این ترتیب چرا باید گذشته فرد خاطی با انسان بی‌گناه برای قضاوت کردن، یکسان قلمداد شود؟ آیا حذف اطلاعات راجع به افراد، شبیه بازنویسی و جعل تاریخ نیست؟ می‌توان پذیرفت که شخص ورشکسته روزی مشمول مقررات اعاده اعتبار شود؛ اما چرا باید سابقه ورشکستگی وی را حذف کرد؟ چنانچه این ورشکستگی، در اثر تقلب تاجر باشد، چرا قانون‌گذار مانع اطلاع سایرین از این امر شود؟ به نظر می‌رسد پذیرش «حق بر فراموشی»، آن گونه که مورد ادعای طرفداران آن قرار گرفته، لازم و ضروری نیست. علاوه بر این بر کدام مبنی می‌توان چنین حقی را به رسمیت شناخته و اصول بنیادین آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات را محدود کرد؟

موافقان این حق برای توجیه آن به مبانی از قبیل «مالکیت داده‌ها»، «قاعده لاضرر»، «سودمندی فراموشی» و «حریم خصوصی» استناد کرده‌اند. در این مقاله گفته شد که به جهت تعارض ضرر اعلان گذشته شخص خاطی با ضرر جلوگیری از جریان آزاد اطلاعات و آزادی بیان، قاعده لاضرر نمی‌تواند مبنا قلمداد شود. سودمندی فراموشی نیز دقیقاً توأم با ضررهایی است که حداقل موجب دفع ادعای این سودمندی بود. رویکرد جدید به «حق بر فراموشی» و برشمردن آن در حقوق برآمده از کرامت انسانی یا به تعبیر فقه امامیه، احکام تکلیفی، موجب رد امکان جعل رابطه مالکیت از سوی قانون‌گذار بر داده‌ها می‌گردد. به

علاوه حفظ حریم خصوصی نیز در قوانین متعدد و انحاء مختلف مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و مخصوصاً آنکه داده‌هایی که توسط خود اشخاص بارگذاری شده، نمی‌تواند موضوع حریم خصوصی تلقی شود.

به این ترتیب شاید بتوان «حق بر فراموشی» را تنها در مواردی مورد پذیرش قرار داد که خود شخص، بدون وجود عقد الکترونیکی لازمی، داده‌ها را در فضای مجازی بارگذاری نموده و اکنون خواستار حذف آنهاست. به علاوه مواردی را می‌توان متصور بود که افراد نابالغ، داده‌هایی را منتشر نموده و پس از رسیدن به بلوغ خواستار حذف آنها هستند. حکم اخیر حتی در کشورهایی که مخالف «حق بر فراموشی» هستند نیز مورد تایید قرار گرفته است. با وجود این درباره مورد نخست باید گفت که رجوع شخص از اذن خود در بارگذاری اطلاعات، مطابق با قاعده بوده و اساساً حذف داده در اثر عدول از اذن، نمی‌تواند مصداق اعمال «حق بر فراموشی» باشد. در نهایت انتظار می‌رود، موافقان جعل چنین حقی، آن را از استثنائات اصل آزادی بیان قلمداد کنند؛ نه آنکه همچون ماده ۱۷ مقررات عمومی اصل را بر قابلیت حذف داده‌ها بگذارند.

منابع و مآخذ

اسلامی، رضا؛ فیضی، فریناز (۱۳۹۵). حق بر فراموش شدن و چالش‌های پیش روی آن. مجله حقوقی دادگستری، ۸۰ (۹۴)، ۱۳-۴۸.

<https://doi.org/10.22106/zlj.2016.21938>

اسلامی، شیرزاد (۱۳۸۸). مجموعه قوانین مالکیت‌های فکری. تهران: مجد.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). حق و تکلیف در اسلام. چاپ ششم، قم: اسراء.
زمانی، سید قاسم؛ عطار، شیما (۱۳۹۵). حقوق بشر و حق بر فراموش شدن در عصر فناوری‌های نوین اطلاعاتی. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۳ (۵۵)، ۸۱-۱۰۸.

<https://doi.org/10.22066/cilamag.2016.23525>

عباسی، محمود؛ غلامی، نبی‌الله؛ سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۶). مبنای فلسفی حق بر فراموش شدن از منظر اخلاق زیستی. اخلاق زیستی، ۷ (۲۳)، ۷-۱۵.

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v7i23.16374>

عصاره، عبدالرحمان؛ شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۲). کنش‌های متاثر از محیط و راهبردهای مهار پدیده مجرمانه. تحقیقات حقوقی آزاد ۶ (۱۹)، ۷۷-۱۲۷.

<https://sanad.iau.ir/Journal/alr/Article/1059524>

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۰). قواعد فقه؛ بخش حقوق خصوصی. چاپ سوم، تهران: سمت.
غلامی، نبی‌الله؛ مومن‌زادگان، حسن علی (۱۳۹۶). حق بر فراموش شدن؛ از مفهوم‌شناسی تا چالش‌های فراروی آن. حقوق اسلامی، ۱۴ (۵۴)، ۳۷-۶۶.
https://hoquq.iict.ac.ir/article_32652.html
قبولی درافشان، سید محمدهادی؛ بختیاروند، مصطفی؛ آقا محمدی، اکرم (۱۳۹۷). حق فراموش شدن در ترازو: نیاز ناشی از فضای مجازی یا تهدیدی برای آزادی بیان؟! پژوهش حقوق عمومی، ۱۹ (۵۸)، ۱۱۳-۱۳۵.

<https://doi.org/10.22054/qjpl.2018.15394.1361>

قنواتی، جلیل؛ جاور، حسین (۱۳۹۰). حریم خصوصی؛ حق یا حکم. حقوق اسلامی ۸ (۳۱)، ۸-۳۲.
https://hoquq.iict.ac.ir/article_18283.html

کاظمی، محمود؛ پیلوار، رحیم (۱۳۹۷). تبارشناسی مال: مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و غرب. حقوق اسلامی، ۱ (پیاپی ۴۷)، ۱۸۱-۲۰۸.
<https://doi.org/10.30497/law.2018.2307>
محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). قواعد فقه؛ بخش مدنی. چاپ بیست و سوم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

معمتمدی‌نژاد، کاظم (۱۳۷۲). حقوق ارتباطات. تهران: علامه طباطبایی.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). قاعده لاضرر. ترجمه محمدجواد بنی سعید لنگرودی. قم: انتشارات امام علی ابن ابی طالب (ع).

میرزایی، نجفعلی (۱۳۷۷). شگفتی‌های آفرینش از زبان امام صادق (ع) توحید مفضل. تهران: هجرت.
شیخ حسینی، سعید (۱۳۹۵). حق بر فراموش شدن و جایگاه آن در نظام مالکیت فکری. پایان‌نامه
کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.
هادی‌زاده، زهره (۱۳۹۵). حق بر فراموش شدن؛ مصداقی جدید از حقوق بشر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد،
دانشکده حقوق، دانشگاه قم.

References

- Abbasi, M., Gholami, N.A., & Soheil Moghadam, S. (2017). Abbasi, Mahmood; Gholami, Nabi al-lah and Soheil Moghaddam, Sahar (2017), The Philosophical Fundamentals Right to be Forgotten from Bioethics View, *Iran Journal Bioethics*, 7(23), 7-15. <https://doi.org/10.22037/bioeth.v7i23.16374> (in Persian)
- Aidinlis, Stergios (2020). The Right to be Forgotten as a Fundamental Right in the UK after Brexit. *Communications Law forthcoming*, 15(2); 1-27. <https://ssrn.com/abstract=3554625>
- Amaya Composeco, J.E. (2017). *The Right to Be Forgotten: A Descriptive Overview of the Right to Be Forgotten*. Pompeu Fabra University of Barcelona, Bachelor's Final Dissertation.
- Amid Zanjani, A.A. (2012), *The rules of jurisprudence; Private Law*, 3rd Ed, Tehran: Samt. (in Persian)
- Andrade, Norberto Nuno Gomes (2011). Right to Personal Identity: The Challenges of Ambient Intelligence and the Need for a New Legal Conceptualization. *Computers, Privacy and Data Protection: An Element of Choice (In Book)*, Springer; 65-97.
- Assare, A.R., & Shambiyati, H. (2013). Environmentally Influenced Actions and Strategies for Controlling Criminal Phenomena. *Free Legal Research*, 6(19), 77-127. <https://sanad.iau.ir/Journal/alr/Article/1059524> (in Persian)
- Calcutt Committee, Report of the Committee on Privacy and Related Matter, London, HMSO 1990 Visible in: <http://humanr.persianblog.ir> (Last seen :2024/06/04)
- Deleuze, G. (1986). *Foucault*. Translated: Sean Hand. Minneapolis: University of Minnesota Press.

- Dowdell, J.W. (2016). An American Right to Be Forgotten. *Tulsa Law Review*, 52(2); 311-341. <https://digitalcommons.law.utulsa.edu/tlr/vol52/iss2/23/>
- Eslami, R., Feyzi, F. (2016). The Right to be Forgotten and Its Challenges. *The Judiciary Law Journal*, 80(94), 13-48. <https://doi.org/10.22106/rlj.2016.21938> (in Persian)
- Eslami, S. (2009). Collection of Intellectual Property Acts. Tehran: Majd. (in Persian)
- Frosio, G. (2017). Right to Be Forgotten: Much Ado about Nothing. *Colorado Technology Law Journal*, 15(2); 307- 337. <https://ssrn.com/abstract=2908993>
- Ghabuli Darafshan, S.M.H., Bakhtiarvand, M., & Aghamohammadi, A. (2018). The Right to be Forgotten in Balance: A Necessity of the Cyberspace or a Threat to Freedom of Expression!? *Public Law Research*, 19(58), 113-135. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2018.15394.1361> (in Persian)
- Gholami, N.A., & Momenzadegan, H.A. (2017). The Right to be Forgotten; From Conceptualization to Its Challenges. *Islamic Law*, 14(54), 37-66. https://hoquq.iict.ac.ir/article_32652.html (in Persian)
- Google Spain SL, Google Inc. v Agencia Española de Protección de Datos, Mario Costeja González (2014).
- Gordley, J. (2007). When Is the Use of Foreign Law Possible? A Hard Case: The Protection of Privacy in Europe and the United States. *Louisiana Law Review*, 67(4), 1073- 1099. <https://digitalcommons.law.lsu.edu/lalrev/vol67/iss4/5>
- Hadi Zadeh, Z. (2016). *The Right to be Forgotten; A New Instance of Human Rights*. Master's Thesis, Faculty of Law, Qom University. (in Persian)
- Hunter, C. (2020). Forgetting the Right to be Forgotten: The Everlasting Negative Implications of a Right to be Dereferenced on Global Freedom in the Wake of Google v. CNIL. *Pace International Law Review*, 32(2), 315- 358. <https://doi.org/10.58948/2331-3536.1400>
- Javadi Amoli, A. (2014), *Right and Obligation in Islam*. 6th Edition, Qom: Asra. (in Persian)
- Judgment of 12 January 2023 (C-154/21), Available on: <https://curia.europa.eu/juris/recherche.jsf> (Last Seen: 2024/06/04)
- Judgment of 8 December 2022 (C-460/20), Available on: <https://curia.europa.eu/juris/recherche.jsf> (Last Seen: 2024/06/04)

- Kazemi, M., & Pilvar, R. (2018). Genealogy of Property: A Comparative Study in Islamic and Western Law. *Islamic Law*, 1 (47), 181-208.
<https://doi.org/10.30497/law.2018.2307> (in Persian)
- Koops, Bert-Jaap (2011). Forgetting Footprints, Shunning Shadows: A Critical Analysis of the 'Right to Be Forgotten' in Big Data Practice. *Tilburg Law School Research Paper*, 8(3), 1- 29. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1986719>
- Lagone, L. (2012). *The Right to Be Forgotten: A Comparative Analysis*. Fordham University School of Law, Available at <https://ssrn.com/abstract=2229361>
- Larson, R. (2013). Forgetting the First Amendment: How Obscurity-Based Privacy and a Right to Be Forgotten Are Incompatible with Free Speech. *Communication Law and Policy*, 18(1); 91- 120. <https://doi.org/10.1080/10811680.2013.746140>
- Layton, Roslyn (2019). The 10 Problems of the GDPR. California: American Enterprise Institute.
- Makarem Shirazi, N. (2011), *La-Ddharar (The Rule of No Harm)*. Trans to Pers by Mohammad Javad Banisaid Langroudi, Qom: Imam Ali Pub. (in Persian)
- Mirzayi, N.A. (1998), *The wonders of creation from the language of Imam Sadiq*. Tehran: Hejrat. (in Persian)
- Moetamedinajad, Kazem (1996). *Communication Law*. Tehran: Allameh Tabatabai. (in Persian)
- Mohaghegh Damad, S.M. (2009). *Rules of Jurisprudence; Civil Section*. 23rd Edition, Tehran: Center for Islamic Sciences Publishing. (in Persian)
- Moshkovska, Y. (2017). *TO BE OR NOT TO BE FORGOTTEN: A New Dimension of the Conflict between the Right to Privacy and Freedom of Expression*. University of Vienna, European Master's Degree in Human Rights and Democratisation.
- Nietzsche, W.F. (1980). *On the Advantage and Disadvantage of History for Life*. Translated By Peter Preuss. Cambridge: Hackett Publishing Company.
- Qanavati, J., & Javar, H. (2011). Privacy; Right or Rule. *Islamic Law*, 8(31), 8-32. https://hoquq.iict.ac.ir/article_18283.html (in Persian)
- Rosen, J. (2012). The Right to Be Forgotten. *Stanford Law Review*, 64; 88- 92. <https://www.stanfordlawreview.org/online/privacy-paradox-the-right-to-be-forgotten/>

- Rubinstein, Ira S (2013). Big Data : The End of Privacy or a New Beginning? *International Data Privacy Law*, 3(2); 74- 87. <https://ssrn.com/abstract=2157659>
- Sheikh Hosseini, S. (2016). *The Right to be Forgotten and Its Place in the Intellectual Property System*. Master's Thesis, Faculty of Law, Qom University. (in Persian)
- Simon, J., & Temple, N. (2013). *Architecture and Justice Judicial Meanings in the Public Realm*. New York : Routledge.
- Stupariu, I. (2015). *Defining the Right to be Forgotten; A Comparative Analysis between the EU and the US*. Central European University of Hungary.
- Vivian, B. (2010). *Public Forgetting: The Rhetoric and Politics of Beginning Again*. Pennsylvania : Pennsylvania State University Press.
- Zamani, S.Q., & Attar, Sh. (2016). Human Rights and the Right to be Forgotten in the Age of New Information Technologies. *International Law Review*, 33(55), 81-108. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2016.23525> (in Persian)

